

بررسی عملیات سپرده‌پذیری نظام بانکداری بدون ربای ایران از جنبه قواعد حاکمیت شرکتی

وهاب قلیچ

چکیده

حاکمیت شرکتی در نظام بانکی به روابط بانک و تعداد زیادی از ذینفعان از جمله سپرده‌گذاران، تسهیلات‌گیرندگان، مشتریان خدمات بانکی، سهامداران، کارکنان و مدیران و غیره اطلاق می‌شود. از جمله این روابط به رعایت حقوق ذینفعان مرتبط است و چنانچه عملیات بانکی به تضییع این حقوق منجر شود، بی‌شک حاکمیت شرکتی نظام بانکی مورد خدشه واقع می‌شود. این مقاله که صرفاً بر گروه سپرده‌گذاران و عملیات سپرده‌پذیری نظام بانکی متمرکز شده است، سعی دارد تا با استفاده از روش تحقیق کتابخانه‌ای به بررسی قواعد حاکمیت شرکتی در این حیطه بپردازد. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد در سپرده‌پذیری حساب‌های قرض‌الحسنه (پس‌انداز و جاری) و حساب‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار زمینه تضییع حقوق سپرده‌گذاران و به تبع آن، تضعیف اجرای قواعد حاکمیت شرکتی وجود دارد. همچنین نشان داده می‌شود که راهکارهای پیشنهادی تفکیک سپرده‌های بانکی با استفاده از عقد «وکالت خاص»، نظارت بر عملیات بانکی جهت رعایت حقوق سپرده‌گذاران و تخصصی‌سازی شبکه بانکی می‌تواند این دسته از چالش‌های حاکمیت شرکتی در بانکداری بدون ربا را تا حد نسبی مرتفع سازد.

واژه‌های کلیدی: حاکمیت شرکتی، بانکداری ایران، تجهیز منابع، سپرده‌گذاران، وکالت.

۱- مقدمه

اولین نشانه‌های حاکمیت شرکتی در حدود سه دهه پیش در کشورهای آمریکا، کانادا و انگلستان در واکنش به چالش‌های ناشی از عدم توانمندی هیئت مدیره در ایجاد عملکرد مثبت شرکت‌های بزرگ بروز کرده است. گرچه برای این مفهوم تاکنون تعریف واحدی ارائه نشده است، اما در بین تعاریف ارائه شده تفاوت قابل توجهی بنابر کشوری که این مقوله در آن بررسی می‌شود وجود دارد. مطالعات نشان می‌دهد که اولین و قدیمی‌ترین مفهوم عبارت حاکمیت شرکتی، از واژه لاتین *Gubernare* به معنای هدایت کردن گرفته شده است که معمولاً در مورد هدایت کشتی به کار می‌رود و دلالت بر آن دارد که اولین تعریف حاکمیت شرکتی بیشتر بر راهبری تمرکز دارد تا کنترل [۱].

در یک تعریف، حاکمیت شرکتی به ساختار و وظایف یک شرکت در رابطه با ذینفعان به طور عام و در رابطه با سهامداران به طور خاص اشاره دارد [2]. در تعریف دیگر، حاکمیت شرکتی عامل حفظ و ارتقای سود سهامداران از طریق اعمال رهبری هدفمند و انتصاب یک مدیریت با صلاحیت و توانا و نظارت بر آن توصیف شده است [3]. پورتا حاکمیت شرکتی را تا حد زیادی مجموعه سازوکارهایی می‌داند که سرمایه‌گذاران بیرونی از طریق آن مالکیت خود را از گزند سرمایه‌گذاران داخلی محفوظ می‌دارند [4]. زینگالز حاکمیت شرکتی را مجموعه‌ای پیچیده از مواردی می‌داند که امکان چانه‌زنی را بر روی منافع برای ذینفعان بوجود می‌آورد [5].

در قالب نظریه نمایندگی^۱ به عنوان یکی از دیدگاه‌های سنتی، حاکمیت شرکتی صرفاً به رابطه شرکت و سهامداران محدود می‌شود. اما این مفهوم در قالب نظریه ذینفعان^۲ از صرف رابطه مابین شرکت و سهامداران شرکت فراتر رفته و در شبکه‌ای از روابط تعریف می‌شود. در این قالب، حاکمیت شرکتی نه تنها روابط میان شرکت و مالکان آنها (سهامداران) بلکه روابط میان شرکت و تعداد زیادی از ذینفعان از جمله کارکنان، مشتریان، فروشندگان، دارندگان اوراق قرضه و... را شامل می‌شود [۱].

سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۳ حاکمیت شرکتی را مجموعه روابطی مابین هیئت مدیره، سهامداران و دیگر ذینفعان یک شرکت می‌داند که با تعیین ساختار، اهداف، ابزارهای دستیابی به این اهداف و نیز نظارت بر فعالیت‌ها، مشوقی برای هیئت مدیره و مدیران در پیگیری مسائلی است که منافع شرکت و سهامداران در آن قرار دارد و نیز تشویقی است برای آنکه از منابع به شیوه کارآتری استفاده نمایند. این سازمان اصولی را برای حاکمیت شرکتی ارائه نموده است که این اصول در بسیاری از کشورها و شرکت‌های بزرگ مورد استفاده قرار گرفته است. اصول مذکور عبارتند از [6]:

۱. تامین مبنایی برای چارچوب حاکمیت شرکتی موثر: چارچوب حاکمیت شرکتی باید توسعه بازارهای شفاف و کارآمد را تسهیل نموده، با حاکمیت قانون سازگار باشد و تقسیم‌بندی مسئولیت‌ها را بین مقامات مسئول نظارتی، تنظیمی و اجرایی به روشنی تشریح نماید.

۲. توجه به حقوق سهامداران: چارچوب حاکمیت شرکتی بایستی از حقوق سهامداران حفاظت و مسیر تحقق آن را تسهیل نماید.

۳. برخورد یکسان با سهامداران: در چارچوب سیستم حاکمیت شرکتی حقوق کلیه سهامداران اعم از اقلیت و اکثریت، داخلی و خارجی یکسان بوده و ضرورت دارد که فرصت‌های برابری برای تامین حقوق و جبران خطاهایشان پیش‌بینی و برقرار شود.

¹ Agency Theory

² Stakeholder Theory

³ Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD)

۴. توجه به نقش کلیه ذینفعان: چارچوب حاکمیت شرکتی تأکید بر این موضوع دارد که حقوق ذینفعان که براساس قوانین یا مبانی دیگر برقرار شده است به رسمیت شناخته شده و در جهت تقویت افزایش ثروت و ثبات شرکت‌ها تلاش نماید.

۵. افشاء و شفافیت: چارچوب این سیستم تأکید دارد که شرکت‌ها می‌بایست اطلاعات مناسب خود را دقیق و به موقع در رابطه با تمام موضوعات مرتبط از جمله عملکرد کلی شرکت، وضعیت مالی، ساختار مالکیت و حاکمیت و نقش و وظیفه مدیران را افشاء و تشریح نماید.

۶. مسئولیت‌های هیئت مدیره: در سیستم حاکمیت شرکتی ضرورت دارد برنامه‌ها و رهنمودهای استراتژیک جهت نظارت مؤثر هیأت مدیره بر مدیران و نحوه پاسخگویی هیئت مدیره به شرکت و سهامداران مشخص شود.

بطور کلی می‌توان بیان داشت که حاکمیت شرکتی سازوکاری است که تلاش دارد از حقوق و منافع «ذینفعان» دفاع کرده و امکان تضييع حقوق آنان را به حداقل ممکن برساند. تأکید حاکمیت شرکتی بر موضوعاتی از قبیل رعایت قوانین و مقررات و ضوابط اخلاقی، شفافیت در گزارشگری مالی، تصمیم‌سازی مؤثر به منظور دستیابی به اهداف و امثال آن است، تا بدین ترتیب، همسوسازی منافع و حفاظت از حقوق کلیه ذینفعان، ایجاد شفافیت در عملکرد مدیران، افشاء مناسب و کامل اطلاعات مرتبط، پاسخگویی مدیران، بکارگیری ارزش‌های اخلاقی و به حداقل رساندن تضاد منافع ذینفعان، امکان‌پذیر گردد [7].

اصولاً روش‌ها و ضوابط حاکمیت شرکتی از کشوری به کشور دیگر بنا به تفاوت فرهنگ‌ها و ساختارهای جوامع با یکدیگر متفاوت می‌باشد [8]. در نمونه‌های غربی دو الگو برای حاکمیت شرکتی در مقابل هم قرار دارند: الگوی انگلیسی-آمریکایی^۱ و الگوی فرانسوی-آلمانی^۲. در الگوی اول بیشتر توجه بر روی حداکثرسازی ارزش سهام سهامداران است. در این حالت، اگر بین منافع صاحبان سهام با دیگر ذینفعان تعارضی پیش آید لازم است که منافع دیگر ذینفعان نادیده انگاشته شود. این در حالی است که در الگوی فرانسوی-آلمانی در کنار توجه به منافع سهامداران به منافع سایر ذینفعان نیز توجه نموده و سعی در برقراری نوعی توازن و همراهی بین منافع کلیه ذینفعان می‌نماید [9].

سهام مهمی از مقوله حاکمیت شرکتی در نظام بانکی جریان دارد. با توجه به تنوع ذینفعان در این نظام (سپرده‌گذاران، تسهیلات‌گیرندگان، مشتریان خدمات بانکی، سهامداران، کارکنان و مدیران و غیره) و حساسیت فعالیت‌های پولی و بانکی توجه به این حوزه در تیررس محققین قرار داشته است. در ادامه این مقاله که به روش مطالعه نظری تهیه شده است، پس از بیان پیشینه تحقیق به مفهوم‌شناسی حاکمیت شرکتی در نظام بانکی و بانکداری اسلامی پرداخته می‌شود. سپس سعی می‌شود با روش تحقیق کتابخانه‌ای آسیب‌شناسی از بخش سپرده‌پذیری شبکه بانکداری ایران از جنبه حاکمیت شرکتی با تمرکز بر گروه سپرده‌گذاران بانکی صورت پذیرد و در ادامه راهکاری برای تخفیف چالش‌های بیان شده ارائه گردد.

۲- پیشینه تحقیق

تقوی و همکاران [10] در مقاله‌ای به بررسی اثرگذاری حاکمیت شرکتی بر ثبات سیستم بانکی در کشورهای در حال توسعه با تأکید بر شاخص مالکیت بانک‌ها پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش که در آن ساختار مالکیت بانک‌ها به عنوان متغیر مستقل از جنبه مالکیت دولتی، خصوصی و نیز خارجی بررسی شده است، نشان می‌دهد مالکیت دولتی بانک‌ها اثر بزرگتری بر افزایش مطالبات معوق نسبت به مالکیت خصوصی دارد؛ در حالیکه مالکیت خارجی نسبت به سایر انواع مالکیت‌ها از نظر سودآوری بانک بهتر عمل می‌کند.

¹ Anglo-American

² Franco-German

قلیچ [7] در مقاله خود با بیان این نکته که گسترده شدن حجم فعالیت بانکها و موسسات مالی، افزایش تعداد ذینفعان و همچنین گستردگی میزان اطلاعات نامتقارن، نشانگر لزوم برقراری حاکمیت شرکتی در نظام بانکی عصر حاضر می‌باشد، وظیفه حاکمیت شرکتی در نظام بانکداری را در قبال سازوکاری که از کلیه حقوق ذینفعان این حوزه دفاع نماید بسیار سنگین ارزیابی می‌نماید. این مقاله با معرفی قابلیت‌های بالای بانکداری اسلامی در اجرای اصول حاکمیت شرکتی، بیان می‌دارد که بانکداری اسلامی با دارا بودن محرک‌هایی همچون رقابت‌پذیری، قوانین و مقررات خاص در بانکداری اسلامی، الزام افراد به رعایت اخلاق اسلامی و شرایط اخلاق مدارانه محیط اجتماعی - سیاسی جامعه اسلامی می‌تواند بستر ساز مناسبی برای تحقق حاکمیت شرکتی در نظام بانکی باشد. همچنین نظارت، مدیریت ریسک و اعمال شفافیت از جمله ابزارهای نظام بانکداری اسلامی در پیاده‌سازی حاکمیت شرکتی است که نقش‌ها و مسئولیت‌هایی خاص را برای بازیگران اصلی این حاکمیت از جمله هیئت مدیره، مدیریت ارشد، سهامداران و سپرده‌گذاران به وجود آورده تا بتوانند به تحقق هر چه بهتر این امر مهم در بدنه نظام بانکی یاری رسانند.

بدری [۱۱] حاکمیت شرکتی را شالوده روابط شرکت با گروه‌های ذینفع می‌داند و بیان می‌دارد حاکمیت شرکتی در سطح خرد، دستیابی به اهداف شرکت و در سطح کلان، تخصیص بهینه منابع جامعه را در نظر دارد. سابقه تاریخی این موضوع به گونه‌ای که امروزه مطرح است، به دهه ۱۹۹۰ و وقوع رسوایی‌های مالی در برخی از شرکت‌های بزرگ برمی‌گردد. علیرغم وجود برخی تفاوت‌ها، به نظر می‌رسد مبانی اصلی حاکمیت شرکتی در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، در طول زمان مسیر همگرایی را پیموده است. ایشان نتیجه می‌گیرد برای تدوین یک نظام حاکمیت شرکتی مطلوب، توجه به عوامل داخلی و بیرونی و نیز شرایط اقتصادی، سیاسی و فرهنگی هر کشور ضروری به نظر می‌رسد.

فرزین‌وش و همکاران [12] در پژوهشی با عنوان «نقش حاکمیت شرکتی بر شاخص‌های عملکرد نظام بانکی»، بیان می‌کنند که بررسی علل و آسیب‌شناسی فروپاشی برخی از شرکت‌ها و بانک‌های بزرگ نشان می‌دهد که این خسارت عمدتاً ناشی از ضعف سیستم‌های حاکمیت شرکتی در این سازمان‌ها بوده است. ایشان با بررسی نقش حاکمیت شرکتی بر شاخص‌های سودآوری نظام بانکی و مقایسه تطبیقی بین کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته نتیجه می‌گیرند که حاکمیت شرکتی اثرات معناداری بر روی سودآوری بانک‌های منتخب داشته است.

امین‌آزاد [13] در مقاله‌ای تحت عنوان «ارزیابی نظام حاکمیت شرکتی در بانک‌ها»، دشواری‌های مقوله حاکمیت شرکتی در نظام بانکی را ناشی از لزوم حفظ منافع سپرده‌گذاران، حفظ اعتماد و اطمینان به بانک‌ها و از طرف دیگر پیچیدگی روزافزون عملیات بانکی و حساسیت آنها به بحران‌های نقدینگی می‌داند. ایشان در مقاله خود به تبیین نقش ناظران بانکی به عنوان یکی از ذینفعان اصلی حاکمیت شرکتی بانک‌ها پرداخته و انواع ارزیابی آنان را در مراحل مختلف اعمال حاکمیت شرکتی تشریح می‌کند. المناصیر^۱ و همکاران [14] با بررسی اثر حاکمیت شرکتی بر عملکرد بانک‌های کشور اردن بدین نتیجه دست یافتند که بین شاخص‌های حاکمیت شرکتی و عملکرد سیستم بانکی در این کشور رابطه مثبتی وجود دارد.

ارمینا و ماریا^۲ [15] با بررسی کارکرد حاکمیت شرکتی در نظام بانکی بدین نتیجه رسیدند که هرچه سهام بیشتری از بانک توسط کارکنان داخلی بانک و هیئت مدیره و سهامداران بزرگ نگهداری شود، عملکرد بانک بهتر خواهد بود. آندرس و وال لادو^۳ [۱۶] در مطالعه‌شان به نقش هیئت رئیسه در بهبود عملکرد سیستم بانکی پرداخته و نتیجه گرفته‌اند که بین عملکرد سیستم بانکی و قدرت هیئت رئیسه و بین مدیران اجرایی و عملکرد بانکی رابطه U شکل وجود دارد. همچنین ایشان به این نکته پی برده‌اند که هرچه استقلال هیئت رئیسه بیشتر باشد، کارایی آنها در مدیریت و کنترل مدیران بالاتر خواهد بود و باعث ایجاد سودآوری بیشتر در بانک می‌گردد.

¹ Al Manaseer

² Ermina & Maria

³ Andres & Vallelado

با مروری بر پیشینه تحقیق در مقوله نقش‌آفرینی حاکمیت شرکتی در نظام بانکداری ملاحظه می‌شود که محققین نگاه کمتری به حوزه بانکداری اسلامی با تمرکز بر آنچه مدنظر این مقاله، یعنی جنبه سپرده‌پذیری و رعایت حقوق سپرده‌گذاران از نگاه حاکمیت شرکتی است، داشته‌اند. از این حیث این نوشتار می‌تواند دارای ارزش افزوده نسبت به مطالعات پیشین باشد.

۳- مفهوم‌شناسی حاکمیت شرکتی در نظام بانکی

نظام بانکی نیز همانند و بلکه مهمتر از سایر نهادها و موسسات و شرکت‌ها نیازمند رعایت اصول حاکمیت شرکتی است. پس از وقوع بحران ۱۹۹۷ در شرق آسیا عدم توجهات معطوف حاکمیت شرکتی در نظام بانکی شد به نحوی که بانک‌های سراسر جهان به تدریج جهت استقرار حاکمیت شرکتی در مجموعه خود دست به کار شدند. در این راستا کمیته نظارتی بال اولین نسخه دستورالعمل ارتقای حاکمیت شرکتی در واحدهای بانکی را در سال ۱۹۹۹ تدوین کرد که این نسخه، پایه و اساس اصول حاکمیت شرکتی سازمان توسعه و همکاری اقتصادی (OECD) در سال ۲۰۰۴ شد [۱۷].

از سوی دیگر تجربه جهانی نشان داده است که رعایت اصول حاکمیت شرکتی در نظام‌های بانکی کشورهای مختلف، اثرات مثبتی را بر عملکرد بانک‌های مورد بررسی برجای گذاشته است. به عنوان نمونه رعایت ضوابط حاکمیت شرکتی در حفاظت از حقوق ذینفعان، به بهبود چشمگیر وضعیت در بانک‌های کشورهای هم‌چون اندونزی، کره جنوبی، تایلند و مالزی که بیشترین صدمه را در بحران سال ۱۹۹۷ متحمل شدند، منجر شده و به نوعی احیاگر این کشورها به حساب می‌آید [۱۸]. از این رو مشخص می‌شود که توجه به حفظ حقوق ذینفعان، بخشی مهم از حاکمیت شرکتی بوده و قابلیت اثرگذاری بر وضعیت بانکداری را دارا می‌باشد.

با نگاهی به شرایط نظام بانکی در عصر حاضر در می‌یابیم که گسترش برخی از عوامل و دلایل، لزوم برقراری حاکمیت شرکتی را به امری ضروری‌تر از قبل بدل نموده است. از جمله این موارد می‌توان به گسترده شدن حجم فعالیت بانک‌ها و موسسات مالی در ابعاد مختلف، افزایش تعداد ذینفعان و همچنین گسترش نامتقارنی اطلاعات اشاره داشت. توضیح بیشتر آنکه امروزه ازدیاد حجم فعالیت بانک‌ها و موسسات مالی با روی کار آمدن ابزارهای مالی جدید، گستردگی ارتباطات و دسترسی به بازارهای جهانی، افزایش میزان سرمایه‌های انباشت شده قابل توجه بوده و همین امر بر پیچیدگی فعالیت‌ها افزوده و امکان تخلف و تعدی از مسیر اهداف موسسات را افزایش می‌دهد. همچنین افزایش تعداد ذینفعان بانکی امکان این نوع تعدی‌ها را بیش از پیش محتمل می‌گرداند. با گسترش تعداد ذینفعان در یک بانک و بالتبع آن افزایش روابط بین افراد به شکل شبکه‌تار عنکبوتی، مسلماً تأمین منافع کلیه ذینفعان دشوارتر می‌شود. از آنجا که نظام بانکی اثرگذاری فراوانی در تمامی بخش‌های اقتصادی دارد، وجود تعداد زیادی از ذینفعان در این نظام دور از انتظار نخواهد بود. طبق تعریف کمیته بال در نظارت بانکداری^۱ عنوان ذینفعان بانکی شامل کارمندان، مشتریان، عرضه‌کنندگان وجوه و افراد جامعه می‌شود. همچنین به دلیل نقش ویژه‌ای که بانک‌ها در اقتصاد و نظام‌های مالی بر عهده دارند، ناظران و خود دولت‌ها نیز علاوه بر موارد فوق، جزو ذینفعان در نظام بانکی محسوب می‌شود [۱۹].

با توجه به گستردگی مسائل فوق، حاکمیت شرکتی ضعیف یک بانک ممکن است به تزییع حقوق ذینفعان و از دست رفتن اعتماد عمومی نسبت به آن بانک منجر شده و آن بانک را با حجم مطالبات وصول نشده و بدهی‌های پرداخت نشده‌ای که منجر به ایجاد یک فضای نااطمینانی برای مشتریان و سهامداران آن بانک و یا حتی بانک‌های دیگر می‌شود، مواجه کند. ایجاد فضای نااطمینانی نسبت به آینده در اثر عدم پرداخت بدهی‌ها توسط وام‌گیرندگان، که گاهی با ترویج یافتن شایعات به یک حرکت عظیم

¹ Basel Committee on Banking Supervision (BCBS)

دسته‌جمعی منتهی می‌شود، قادر است وضعیت را به صورتی رقم بزند که بانک‌ها و موسسات مالی و اعتباری، خود را مواجه با خیل انبوه بدهی‌های نکول شده ببینند و این خود می‌تواند شروعی بر یک بحران بزرگ باشد [۲۰].

افزون بر این ضعف حاکمیت شرکتی یک بانک می‌تواند در اثر اصل مکمل بودن استراتژیک^۱ به ورشکستگی بانک منجر شود. طبق این اصل، اگر در یک بانک، فرد سپرده‌گذار پیش‌بینی نماید که دیگر سپرده‌گذاران قصد بازپس‌گیری سپرده‌های خود را دارند و بدهکاران نیز قصد بازپرداخت بدهی‌های خود را به بانک ندارند، احتمال ورشکستگی آن بانک در نظر این فرد بالا رفته و همین امر ایجاد انگیزه‌های قوی جهت بازپس‌گیری سپرده از آن بانک را برای وی فراهم می‌آورد. فراگیر شدن این اقدام در بین تعداد زیادی از سپرده‌گذاران، می‌تواند بانک‌ها را وارد مرحله خطرناکی کند و آن اینکه گسترش بیشتر نااطمینانی‌ها منجر به افزایش انگیزه افراد برای خارج کردن سپرده‌هایشان از بانک شده و همین حرکت خود دوباره باعث تشدید و وخامت بیشتر فضای نااطمینانی شود [7].

افزون بر اصل فوق، اصل سرایت^۲ نیز می‌تواند به تعمیم یافتن این مشکل به کل اقتصاد منجر شود. شرایط نااطمینانی و خروج سرمایه‌ها از یک بانک، می‌تواند به مرور زمان به بانک‌ها و موسسات مالی و اعتباری دیگر و حتی برخی از بخش‌های فعال اقتصادی و بازار سرایت نموده و آنان را نیز با پدیده عدم اطمینان مشتریان روبرو ساخته و در کل اقتصاد را با یک بحران جدید مواجه سازد. بنابراین مشاهده می‌شود، وظیفه حاکمیت شرکتی در نظام بانکداری در قبال ترتیب سازوکاری که از کلیه حقوق ذینفعان دفاع نماید بسیار سنگین است. حاکمیت شرکتی با برقراری طیف گسترده‌ای از قوانین، استانداردها و قیود سعی می‌نماید مجاری تضييع حقوق را بسته و با هدایت و کنترل عملکردهای بانکی، تامین منافع کلیه ذینفعان را تضمین کرده و نوعی فضای اطمینان خاطر را برای همگان فراهم آورد [۲۰].

مورد دیگری که لزوم برقراری حاکمیت شرکتی در صنعت بانکداری امروزی را به ما نشان می‌دهد، گسترش حجم اطلاعات نامتقارن بین طرف‌هایی است که در فعالیت‌های بانکی دور هم جمع شده‌اند. شاید بتوان این مورد را یکی از مهمترین عللی دانست که لزوم حاکمیت شرکتی را برای ما قابل توجه می‌کند. وجود اطلاعات نامتقارن ذینفعان در شرایطی که منافع عده‌ای متعارض با منافع دیگری است و به عبارتی افزایش منفعت گروهی تنها در صورت پایمال شدن حقوق گروه دیگر بوجود می‌آید، باعث ایجاد زمینه‌هایی می‌شود که در آن تخطی و تعدی از وظایف و سوءاستفاده از فرصت‌ها و تضييع حقوق یکدیگر بیشتر امکان تحقق می‌یابد. وجود اطلاعات نامتقارن در یک فعالیت بانکی بین بانک و گروه مشتریان می‌تواند منجر به آن شود که طرف عامل توسط روش‌های مستقیم یا غیرمستقیم دست به رفتاری زند که در نهایت منجر به تضييع حق طرف دیگر شود. اختلاس و کلاهبرداری از جمله روش‌های مستقیم و در نظرگیری منافع و مزایای قابل توجه برای خود در حساب‌های مالی پروژه و یا استفاده از منابع در خارج از پروژه مدنظر قرارداد بدون اطلاع طرف مقابل، از جمله روش‌های غیرمستقیمی است که می‌تواند به تضييع منافع ذینفعان منجر شود [7] و [۲۱].

۴- حاکمیت شرکتی در بانکداری اسلامی

سازمان‌ها و نهادهای اسلامی نیز به نحو اختصاصی نیازمند رعایت اصول حاکمیت شرکتی هستند. در این زمینه، از لحاظ تاریخی اصول حاکمیت شرکتی برای اولین بار در مارس سال ۲۰۰۰ میلادی در مالزی نوشته و تصویب شده است. با این حال از سال ۱۹۹۸ و با مطرح شدن مشکلات ناشی از فقدان حاکمیت درست در یکی از شرکت‌های مالزی بود که اقدام به بررسی و تطابق اصول حاکمیت شرکتی با قوانین اسلامی در مالزی شروع شد که در نهایت منجر به انتشار این اصول در سال ۲۰۰۰ روی تمامی

¹ Strategic Complementarities Principle

² Contagion Principle

شرکت‌های بورسی در مالزی شد. این اصول دوباره در سال‌های بعد، اصلاح و بازبینی شد و اینک مالزی از اولین کشورهای اسلامی است که حاکمیت شرکتی اسلامی خود را به صورت یک مجموعه قوانین مؤثر تدوین و اجرا می‌کند [۲۲].

از سوی دیگر رعایت ضوابط حاکمیت شرکتی در نظام بانکداری اسلامی نیز همپای سایر سازمان‌ها و نهادهای اسلامی مورد طرح و بررسی قرار گرفته است. بانکداری اسلامی از آن حیث که از لحاظ کارکردی، سازوکاری و سازمانی شباهت‌هایی به بانکداری متعارف دارد، در مقوله پیاده‌سازی ضوابط حاکمیت شرکتی نیز دارای شباهت‌هایی به نظام متعارف هستند. اما وجود تفاوت‌هایی در بخش تجهیز و تخصیص منابع بانکی موجب شده است که اسلوب متفاوتی از حاکمیت شرکتی برای بانک‌های اسلامی قابل طرح‌ریزی باشد^۱.

از جمله تفاوت‌های نظام بانکداری اسلامی با نظام بانکداری متعارف که مدنظر این نوشتار قرار دارد، در بخش تجهیز منابع است. در نظام بانکداری متعارف سپرده‌گذاران با سپردن وجوه خود به بانک‌ها در قالبی شبیه به عقد قرض، در سررسیدهای مقرر به بانک مراجعه کرده و بهره وجوه خود را دریافت می‌کنند. گرچه نگرانی سپرده‌گذاران در بانکداری متعارف مبنی بر ورشکستگی بانک‌ها و عدم امکان آنان برای بازپرداخت وجوه به قوت خود باقی است، اما در این نظام سپرده‌گذاران می‌توانند با تعبیه بازوهای حمایتی مانند بیمه این عدم اطمینان را تا حدی کاهش دهند.

این در حالی است که با نگاهی از نوع اجرای حاکمیت شرکتی در نظام بانکداری اسلامی، نیاز به تامین سازوکاری برای کاهش هزینه‌های احتمالی سوءاستفاده از اطلاعات نامتقارن در این نوع بانکداری مورد توجه می‌باشد؛ چراکه یکی از مهمترین مجاری بانکداری اسلامی در تجهیز منابع استفاده از عقود اسلامی همانند وکالت است. در این نوع عقود، سپرده‌گذاران به نوعی مشارکت در سرمایه‌گذاری‌هایی دارند که بانک‌ها بطور قابل توجهی از اطلاعات بیشتری در مورد آن سرمایه‌گذاری‌ها برخوردار می‌باشند و یا در زمینه اعطای وکالت به بانک در بکارگیری منابع تجهیز شده، به طور مشخصی اختیار عمل در نزد بانک به عنوان وکیل و امین سپرده‌گذاران نهاده می‌شود.

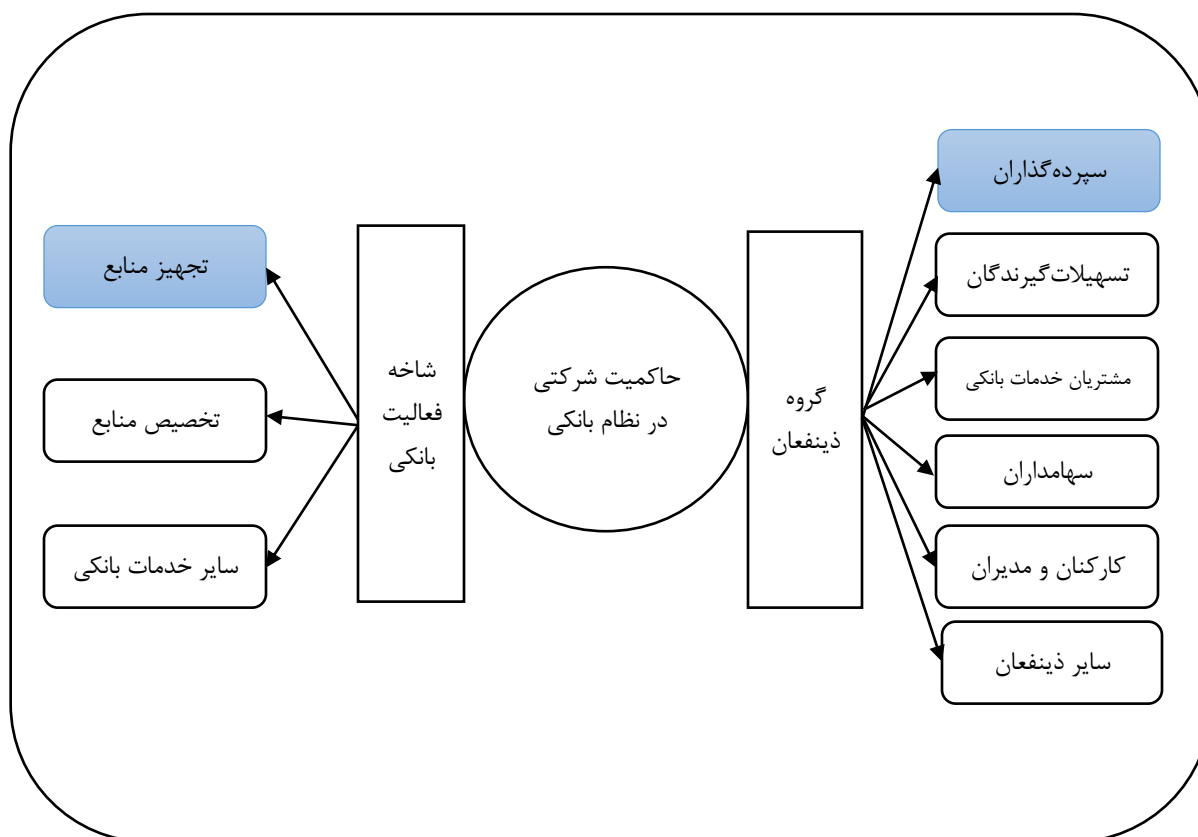
۵- تبیین موضوع پژوهش

ملاحظه می‌شود بنا به ادبیات موجود درهم‌تنیدگی زیادی بین قواعد حاکمیت شرکتی و رعایت حقوق ذینفعان وجود دارد. همانطور که اشاره شد مقوله حاکمیت شرکتی در قالب نظریه ذینفعان از صرف رابطه مابین شرکت و سهامداران شرکت فراتر رفته و در شبکه‌ای از روابط تعریف می‌شود. در این قالب، حاکمیت شرکتی نه تنها روابط میان شرکت و مالکان آنها (سهامداران) بلکه روابط میان شرکت و تعداد زیادی از ذینفعان از جمله کارکنان، مشتریان، فروشنندگان، دارندگان اوراق قرضه و... را شامل می‌شود [۱].

از این‌رو آنگونه که شکل ۱ نمایش می‌دهد، جهت تحقق حاکمیت شرکتی در سازمانی همچون بانک نیاز است به رعایت حقوق ذینفعانی همچون سپرده‌گذاران، تسهیلات‌گیرندگان، مشتریان خدمات بانکی، سهامداران، کارکنان و مدیران و سایر افراد توجه شود. همچنین با توجه به زمینه کاری بانک، پیاده‌سازی قواعد حاکمیت شرکتی در رعایت حقوق ذینفعان در سه زمینه کلی تجهیز منابع، تخصیص منابع و آرایه خدمات بانکی قابلیت تحلیل و بررسی دارد.

^۱ شایان ذکر است رعایت حقوق سایر ذینفعان بانکی اعم از تسهیلات‌گیرندگان، دریافت‌کنندگان خدمات بانکی، کارکنان، مدیران، سهامداران و غیره، رعایت موازین شرعی در قراردادهای، مباحث خدمات بانکی، حسابداری، نظارت شرعی و مواردی از این دست نیز در دایره تفاوت‌های اجرایی‌سازی حاکمیت شرکتی در نظام بانکداری اسلامی در مقایسه با بانکداری متعارف قابل طرح است؛ اما با توجه به رسالت این نوشتار از پرداخت به سایر جنبه‌های حاکمیت شرکتی در بانکداری اسلامی صرف‌نظر شده است.

از آنجاکه پرداخت به تمام جنبه‌های حاکمیت شرکتی در نظام بانکی با توجه به دایره گسترده ذینفعان این نظام و شاخه‌های متنوع فعالیت بانکداری، خارج از توان و ظرفیت محدود این پژوهش است، در ادامه تمرکز مقاله در شناسایی و آسیب‌شناسی حاکمیت شرکتی در عملیات بانکی بدون ربا صرفاً به مقوله «سازوکار سپرده‌پذیری (تجهیز منابع)» و در بخش ذینفعان، صرفاً به رابطه «بانک با سپرده‌گذاران» منحصر می‌شود (این بخش‌ها در شکل شماره ۱ به رنگ تیره‌تر مشخص شده است). بدیهی است بهبود وضعیت حاکمیت شرکتی در نظام بانکی کشور، به حوزه‌هایی فراتر از «سپرده‌پذیری» و همچنین به ذینفعانی فراتر از «سپرده‌گذاران» مرتبط است که بنا به محدودیت‌های موجود، در این مقاله مورد بحث و بررسی قرار نگرفته است.



شکل ۱: حاکمیت شرکتی در نظام بانکی و منطقه مورد مطالعه در نوشتار حاضر

۶- سازوکار سپرده‌گذاری در نظام بانکداری ایران

واسطه‌گری وجوه از جمله مهمترین وظایف و کارکردهای بانکداری است. این واسطه‌گری بدین معناست که بانک با استفاده از امکانات و نیروهایی که دارد بر اساس ضوابطی مشخص، منابع صاحبان وجوه مازاد را دریافت و به متقاضیان وجوه پرداخت نماید. سپرده‌هایی که از سمت سپرده‌گذاران جذب می‌شود به همراه سرمایه اولیه خود بانک، امکان تسهیلات‌دهی و یا سرمایه‌گذاری را برای بانک فراهم می‌سازد. بدیهی است هرچه بانک در بخش تجهیز منابع پرقدرت‌تر و موفق‌تر باشد، امکان تخصیص منابع بهتر و بیشتر برای او فراهم‌تر خواهد بود. از این‌رو آنچه شایان توجه است قدرت بانک‌ها در تجهیز وجوه سرگردان و به‌کارگیری آن در یک تخصیص منابع بهینه است تا علاوه بر سودآوری بتواند به نیازهای اقتصادی و مالی جامعه پاسخگو باشد.

در نظام بانکداری متعارف، عموم مسیره‌های تجهیز منابع از قرارداد قرض می‌گذرد؛ در حالیکه در بانکداری بدون ربا عقد وکالت در کنار عقد قرض مورد استفاده قرار می‌گیرد. به موجب ماده سوم قانون عملیات بانکی بدون ربا، دو نوع منبع برای تجهیز منابع بانک‌های بدون ربا در نظر گرفته شده است:

الف) سپرده قرض‌الحسنه جاری و پس‌انداز و ب) سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار.
در ادامه به بررسی دو دسته سپرده‌های تجهیز منابع بانکی که قانون عملیات بانکی بدون ربا معرفی کرده است پرداخته می‌شود.

۱-۶ سپرده‌های قرض‌الحسنه

۱-۱-۶ سپرده‌های قرض‌الحسنه جاری

حساب جاری در عملیات بانکداری بدون ربا ایران تحت عنوان عقد قرض‌الحسنه تعریف شده است. در صحنه اجرا این حساب مانند حساب‌های جاری سایر بانک‌ها، خدمات پرداخت را در اختیار صاحب حساب می‌گذارد. بدین ترتیب اشخاص حقیقی و حقوقی با افتتاح حساب از طریق دسته چکی که از بانک دریافت می‌کنند از موجودی حساب خود به هر اندازه و صورتی که مایل باشند، طبق مقررات بانک استفاده می‌نمایند. به موجودی اینگونه حساب‌ها سودی تعلق نمی‌گیرد.
از منظر انطباق با شریعت، وجوه فراهم شده از ناحیه این حساب‌ها مطابق ماهیت عقد قرض، به ملکیت بانک درآمده و جزو منابع بانک می‌باشد. بانک‌ها می‌توانند با رعایت ذخایر قانونی و احتیاطی، باقیمانده وجوه را از طریق عقود مختلف مبادله‌ای، مشارکتی و قرض‌الحسنه به کار گیرند. در حال حاضر اکثر بانک‌ها در ایران وجوه جمع‌آوری شده از این دسته از حساب‌ها را در فعالیت‌های سودده اقتصادی به کار برده و برای بانک درآمدزایی می‌کنند.

۲-۱-۶ سپرده‌های قرض‌الحسنه پس‌انداز

حساب پس‌انداز نیز تحت عنوان عقد قرض‌الحسنه تعریف شده است و همانند حساب پس‌انداز در بانکداری متعارف است، با این تفاوت که در این نوع از حساب‌ها سودی به سپرده‌گذار پرداخت نمی‌شود و تنها با استفاده از قرعه‌کشی به برخی از سپرده‌گذاران جوایزی تعلق می‌گیرد. در اینجا هم وجوه جمع‌آوری شده به مالکیت بانک درآمده و بانک‌ها پس از کسر ذخایر قانونی و احتیاطی، بخشی از این وجوه را به اعطای قرض‌الحسنه اختصاص داده و بخش دیگر را از طریق عقود مندرج در ماده سوم قانون عملیات بانکی بدون ربا به کار گرفته و کسب سود می‌کنند. در حال حاضر بخش عمده وجوه جمع‌آوری شده از این حساب‌ها به ارائه تسهیلات قرض‌الحسنه به نیازمندان اختصاص می‌یابد.

۲-۲ سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار

بنا به قانون عملیات بانکی بدون ربا و آئین‌نامه فصل دوم قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره) (تصویب‌نامه شماره ۸۱۹۶۲ مورخ ۱۳۶۲/۹/۲۷ هیئت وزیران)، در حساب‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار رابطه بانک و صاحب سپرده رابطه «وکالت» است. بانک‌ها وجوه این حساب را به وکالت از صاحبان سپرده در عقود شرعی که مدنظر قانون است به کار می‌گیرند. افزون بر این بانک‌ها بازپرداخت اصل سپرده سرمایه‌گذاری مدت‌دار را تعهد می‌نمایند و منافع حاصل از عملیات مذکور را طبق قرارداد متناسب با مدت و مبلغ سپرده با رعایت سهم منابع بانک، پس از کسر هزینه‌ها و حق‌الوکاله بین صاحبان سپرده‌ها تقسیم می‌کنند.
در این حساب‌ها اگر چه میزان سود از ابتدا معلوم نیست لکن به سبب وسعت عمل و تنوع معاملات این اطمینان هست که سود مناسبی عاید این وجوه خواهد شد به طوری که بانک می‌تواند قبل از حسابرسی به آنان سود علی‌الحساب بپردازد. بنا به نص

قوانین بانکی نیاز است همه ساله نرخ سود قطعی سپرده‌ها پس از پایان فرآیندهای حسابداری و حسابرسی به مشتریان پرداخت گردد.

از آنجاکه رابطه سپرده‌گذار و بانک وکالت است، سپرده‌گذار به بانک وکالت عام می‌دهد که وجوه او را همراه سایر وجوه و منابع بانکی، به نحو مشاع در فعالیت‌های اقتصادی سودآور بکار گیرد. البته بانک دو نوع رابطه حقوقی با سپرده‌گذار برقرار خواهد ساخت؛ از یک طرف بانک وکیل سپرده‌گذار در به‌کارگیری وجه سپرده داشته و از طرف دیگر شریک وی در تامین منابع است. چراکه بخشی از منابعی که به نحو مشاع به کار گرفته می‌شود متعلق به خود بانک بوده یا مربوط به سپرده‌های جاری و پس‌انداز است که در مالکیت بانک قرار دارد. از این‌رو رابطه هر سپرده‌گذار با سایر سپرده‌گذاران رابطه مشارکت می‌شود. از این جهت سود سپرده‌های سرمایه‌گذار در ابتدای امر مشخص نخواهد بود [۲۳].

۷- حاکمیت شرکتی از جنبه رعایت حقوق ذینفعان در سپرده‌پذیری بانکداری ایران

آنگونه که در بخش ابتدایی مقاله اشاره شد، در نظریه ذینفعان به عنوان یکی از کاربردی‌ترین نظریات این حوزه، حاکمیت شرکتی نه تنها روابط میان شرکت و مالکان آنها (سهامداران) بلکه روابط میان شرکت و تعداد زیادی از ذینفعان از جمله کارکنان، مشتریان، فروشندگان، دارندگان اوراق بهادار و غیره را شامل می‌شود.

از این‌رو چنانچه در پی اجرای حاکمیت شرکتی در نظام بانکی کشور هستیم، باید تلاش نماییم تا حقوق گروه ذینفعان فعالیت بانکداری به نحو مناسبی تامین شود. با توجه به تبیین موضوع پژوهش، این نوشتار به گروه سپرده‌گذاران بانکی به عنوان بخشی از مهمترین گروه ذینفعان متمرکز شده است. در ادامه با اشاره به مهمترین حقوق سپرده‌گذاران برعهده بانک، حاکمیت شرکتی در سپرده‌پذیری بانکی را از این زاویه آسیب‌شناسی می‌نماییم:

۷-۱ توجه به قصد و هدف سپرده‌گذاران

بنا به قاعده العقود تابعه للقصود، عقود از قصد و نیت طرفین معامله تبعیت دارد. مسلماً سپرده‌گذاران بانکی نیز از اعطای سپرده خود در قالب مدنظر اهدافی را دنبال می‌کنند که بانک باید در پی تامین آن باشد. از جمله سپرده‌های بانکداری ایران، سپرده‌های قرض‌الحسنه است. سوال اینست که از آنجاکه یکی از پایه‌ترین مبانی دریافت قرض‌الحسنه، وجود نیاز به منابع مالی است، در این وضعیت، اعطای قرض‌الحسنه به بانک که خود دارای منابع مالی فراوان است چه مفهومی می‌تواند داشته باشد؟ به نظر می‌رسد از آنجاکه بانک‌ها، موسسات انتفاعی و در پی سودآوری هستند، در واقعیت سزاوار دریافت قرض‌الحسنه نیستند. از این‌رو مسلم است که سپردن منابع قرض‌الحسنه‌ای به بانک، به منظور اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه به نیازمندان و محتاجان است؛ نه اینکه بانک‌ها خود نیازمند قرض‌الحسنه باشند؛ بنابراین بانک صرفاً نقش واسطه‌گری بین قرض‌دهنده و قرض‌گیرنده را دارد و این نکته‌ای است که در متن قانون چندان شفاف نشده است.

در این قاعده، وجوه فراهم شده از ناحیه حساب‌های قرض‌الحسنه مطابق ماهیت عقد قرض به مالکیت بانک‌ها درآمده و جزو منابع بانک خواهد بود. یکی از مهمترین چالش‌های به‌کارگیری عقد قرض‌الحسنه در نظام بانکی کشور ما همین نکته است که برخی از بانک‌ها با استناد به این موضوع یعنی مالکیت خود بر منابع قرض‌الحسنه‌ای و در اقدامی مغایر با اهداف واقعی قرض‌الحسنه، بخش قابل توجهی از این منابع را به جای آنکه در تسهیلات قرض‌الحسنه برای نیازمندان و محرومان بکار گیرند، آن را در تسهیلات سودآور و انتفاعی مورد استفاده و بهره‌برداری قرار می‌دهند. روشن است که این نوع کاربرد وجوه سپرده‌های قرض‌الحسنه با ماهیت این نوع سپرده‌ها و نیت و قصد سپرده‌گذاران (ذینفعان) منافات اساسی دارد. بنابراین این روش از تجهیز منابع غیرانتفاعی در بانک‌های تجاری و بازرگانی به شکل حاضر، احتمال انحراف و اختلال در تامین اهداف و مقاصد ذینفعان،

تضییع حقوق ایشان و تضعیف حاکمیت شرکتی را افزایش می‌دهد. از این جهت می‌توان این مورد را از جمله چالش‌های اجرای حاکمیت شرکتی در بخش تجهیز منابع بانکی قلمداد نمود.

ممکن است بیان شود که در حساب‌های قرض‌الحسنه از نوع حساب‌های جاری، قرض‌دهنده اهداف دیگری همانند حفظ و نگهداری پول، تسهیل در معاملات و مبادلات مالی و نقل و انتقال وجوه، دریافت دسته چک و برخورداری از مزایای آن و غیره را مدنظر دارد. در اینجا باید خاطرنشان ساخت مطابق آموزه‌های اسلامی، قرض‌الحسنه زمانی معنا و مفهوم دارد که قرض‌دهنده برای کسب پاداش و ثواب اخروی به فرد نیازمندی پول یا کالایی را قرض دهد؛ حال چنانچه قرض‌دهنده اهداف دیگری را در نظر دارد مبلغ اعطایی او نام «قرض» به خود می‌گیرد و نه «قرض‌الحسنه». البته خود قرض بدون بهره از نظر اسلامی مجاز و مشروع است و تنها عنوان قرض‌الحسنه بدان صدق نمی‌شود [۲۴].

از این جهت باید گفت عموماً در سپرده‌های جاری نظام بانکی، نه سپرده‌گذاران و نه خود بانک به دنبال تامین اهداف خیرخواهانه و با نیت کسب پاداش و ثواب اخروی نیستند؛ بلکه هدف سپرده‌گذار از افتتاح چنین حسابی، غالباً سامان‌دهی به دریافت‌ها و پرداخت‌های خود از طریق خدمات حساب جاری همچون دسته چک بوده و از طرف دیگر هدف و نیت بانک از ایجاد چنین حسابی استفاده از رسوب مانده حساب‌ها جهت سودآوری است. بنابراین گرچه این سپرده‌ها ماهیت حقوقی قرض بدون بهره دارند و از مشروعیت برخوردار می‌باشند ولیکن نمی‌توان نام آن را «قرض‌الحسنه» قرار داد. از این حیث، تفاوت ماهوی در نام‌گذاری قراردادهای امکان انحراف از خواست و مقاصد ذینفعان، تضییع حقوق ایشان و تضعیف حاکمیت شرکتی را فراهم می‌سازد.

۷-۲ پرداخت به موقع و کامل اصل سپرده به سپرده‌گذاران

از جمله حقوق سپرده‌گذاران بانکی، دریافت به موقع و کامل اصل سپرده است. البته این حق در سپرده‌های قرض‌الحسنه (پس‌انداز و جاری) با سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار دارای تفاوت است. با توجه به ماهیت قرض، بانک موظف به پرداخت اصل سپرده است و این اجبار از ماهیت عقد ناشی می‌شود؛ اما در سپرده‌گذاری سرمایه‌گذاری مدت‌دار که بانک وکیل است این اجبار ماهیتی وجود ندارد، از این حیث قانونگذار از مسیر تعهدورزی بانک و یا بیمه اقدام به تضمین اصل سپرده نموده است. ماده ۴ قانون عملیات بانکی بدون ربا در این خصوص می‌گوید: «بانک‌ها مکلف به بازپرداخت اصل سپرده‌های قرض‌الحسنه (پس‌انداز و جاری) می‌باشند و می‌توانند اصل سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار را تعهد و یا بیمه نمایند».

بنابراین چه از حیث اجبار ماهیتی (در سپرده‌های قرض‌الحسنه) و چه از حیث تعهد و بیمه از سوی بانک (در سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار)، سپرده‌گذاران محق در دریافت اصل سپرده می‌شوند. عدم پرداخت به موقع و یا کامل سپرده‌ها مبتنی بر مفاد قرارداد، همانند آنچه در برخی موسسات غیرمجاز در سالیان اخیر مشاهده شده است، همگی به تضییع حقوق سپرده‌گذاران و در نتیجه به تضعیف حاکمیت شرکتی در نظام بانکی ایران منجر می‌شود.

۷-۳ پرداخت سپرده‌های ارزی به سپرده‌گذاران بر مبنای توافق شده در قرارداد

بانک‌ها در برخی از شرایط بنا به سیاست‌گذاری مقام ناظر پولی، مجاز به دریافت سپرده‌های ارزی هستند. بعضاً مشاهده می‌شود که در ذیل این سپرده‌پذیری شرط می‌گردد که در هنگام بازپرداخت، سپرده‌ها در قالب ارز سپرده‌گذاری شده به سپرده‌گذاران پرداخت شود. با توجه به تفاوت نرخ ارز در بازارهای رسمی و غیررسمی اقتصاد کشور، مسلماً نحوه بازپرداخت سپرده برای سپرده‌گذاران دارای اهمیت است. از این رو چنانچه در قرارداد ذکر شده باشد که سپرده‌های ارزی در قالب ارز خاصی به سپرده‌گذاران بازگشت داده می‌شود، پرداخت سپرده در مبنایی غیر از ارز مدنظر به معنای تضییع حق سپرده‌گذار و تضعیف حاکمیت شرکتی خواهد بود.

۴-۷ تعیین و پرداخت به موقع و کامل سود قطعی در سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار

از مهمترین موارد قابل بحث در خصوص رعایت موازین حاکمیت شرکتی در سپرده‌پذیری سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار، موضوع تعیین و پرداخت سود این سپرده‌ها به موقع و به‌طور کامل است. ماده ۱۰ آئین‌نامه فصل دوم قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره) تحت عنوان آیین‌نامه تجهیز منابع پولی مصوب ۲۷ آذر ۱۳۶۲ هیئت وزیران، به این موضوع پرداخته است. این ماده بیان می‌دارد «به هیچ یک از سپرده‌های دریافتی تحت عنوان سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار رقم تعیین شده از قبل به عنوان سود پرداخت نخواهد شد. منافع حاصله از عملیات موضوع ماده ۹ بر اساس قرارداد منعقد، متضمن وکالت، بین بانک و سپرده‌گذار متناسب با مدت و مبالغ سپرده‌های سرمایه‌گذاری، پس از وضع سپرده‌های قانونی مربوط و رعایت سهم منابع بانک به نسبت مدت و مبلغ در کل وجوه بکار گرفته شده در این عملیات تقسیم خواهد شد.

تبصره ۱- حق‌الوکاله به‌کارگیری سپرده‌های سرمایه‌گذاری از سهم منافع سپرده‌گذاران کسر خواهد شد. میزان حداقل و حداکثر حق‌الوکاله به تصویب شورای پول و اعتبار خواهد رسید.

تبصره ۲- در قراردادهای منعقد بین بانک و سپرده‌گذار قید مصالحه منافع مصرف مشاع سپرده و نحوه محاسبه و پرداخت منافع الزامی است».

سود علی‌الحساب وجهی است که قبل از اتمام و به نتیجه رسیدن عملیات سرمایه‌گذاری و حصول و محاسبه سود قطعی از جانب بانک به صاحبان سپرده‌های سرمایه‌گذاری پرداخت می‌شود. از آنجاکه صاحبان سپرده‌های سرمایه‌گذاری معمولاً کسانی هستند که می‌خواهند ضمن حفظ اصل سرمایه خود، از سود حاصل از آن استفاده کنند و از آنجا که در یک نظام بانکی با حجم انبوه سپرده‌ی سرمایه‌گذاری مشاع، امکان محاسبه سود قطعی حاصل از عملیات و سهم هر یک از سپرده‌گذاران در فواصل زمانی کوتاه ممکن نیست، بانک باید سود قطعی سپرده‌گذاری را بعد از پایان دوره مالی و پس از کسر هزینه‌ها محاسبه کند [۲۵].

بنابراین سود علی‌الحساب همانگونه که از عنوان آن برمی‌آید باید صرفاً علی‌الحساب و نه قطعی و نهایی باشد، اما بانک‌های کشور به علت پیچیدگی و هزینه‌زا بودن محاسبات سود نهایی و قطعی ناشی از اختلاط سرمایه‌ها و سپرده‌های بانکی، عموماً تقسیم منافع ناشی از عملیات بانکی (تخصیص منابع) به نسبت منابع سپرده‌گذار و منابع بانک را صورت نمی‌دهند. به عبارتی هیچ نسبتی برای توزیع سود بین بانک و سپرده‌گذاران و بین هر یک از انواع سپرده‌ها به نحو دقیق و متقن، محاسبه و اعلام نمی‌شود. از این رو غالباً سود علی‌الحساب اعلام شده از سوی بانک‌ها همان سود قطعی تلقی می‌شود. از این حیث سپرده‌گذاران به عنوان ذینفعان عملیات بانکی قادر نخواهند به حقوق خود به نحو کامل دست یابند و از این جنبه اجرای حاکمیت شرکتی در ایفای حقوق ایشان به‌طور جدی زیرسوال خواهد رفت. همچنین اگر رفتار سود قطعی با سودهای علی‌الحساب پرداختی شود و مابه‌التفاوت سود قطعی از سود علی‌الحساب به حساب سپرده‌گذاران واریز نشود، افزون بر چالش حاکمیت شرکتی، شبهات شرعی مانند شباهت یافتن به عملیات ربوی و یا تحقق اکل مال به‌باطل توسط بانک نیز قابل طرح می‌شود؛ موضوعی که رخداد آن در امر وکالت‌پذیری بانک‌های کشور در سپرده‌پذیری مدت‌دار دور از واقعیت نمی‌باشد و می‌توان آن را به عنوان یک آسیب شناسایی نمود.

البته لازم به اشاره است که این چالش منحصر به وجود سود قطعی بالاتر از سود علی‌الحساب و عدم پرداخت مابه‌التفاوت آن به سپرده‌گذاران نمی‌شود؛ بلکه چه بسا سود قطعی پایین‌تر از سود علی‌الحساب باشد و بانک بنا به تعهدی که به پرداخت حداقل سود دارد، از سهم و حقوق سهامداران به عنوان گروهی دیگر از ذینفعان نظام بانکی، این کسری را جبران کند [۲۵]. این چالش افزون بر تضعیف مقوله حاکمیت شرکتی در گروه سهامداران (ذینفعان)، در تعارض با مقوله عدالت و قاعده تبعیت نما از اصل نیز قرار دارد.^۱

^۱ با توجه به آنکه هدف این نوشتار، گروه سپرده‌گذاران در دسته ذینفعان بانکی است، از پرداخت بیشتر به سایر ذینفعان نظام بانکی پرهیز می‌شود.

۵-۷ اطلاع‌رسانی به سپرده‌گذاران در صورت تغییر نرخ سود هنگام تمدید سپرده‌های سرمایه‌گذاری

مدت‌دار

رویه نظام بانکی آن است که سپرده‌های مدت‌دار در سررسید و بر اساس نرخ‌های علی‌الحساب جدید به صورت خودکار تمدید می‌شود. به نظر می‌رسد اطلاع‌رسانی به سپرده‌گذاران در خصوص تغییرات نرخ سود علی‌الحساب از حقوق سپرده‌گذاران بوده و بانک ملزم به انجام این کار می‌باشد.

۶-۷ انجام صحیح امور وکالت از سوی بانک

آنگونه که بیان شد در سپرده‌گذاری سرمایه‌گذاری مدت‌دار، بانک وکیل سپرده‌گذاران است و وظیفه دارد وجوه را در عقود شرعی مصوب قانون با لحاظ مباحث مدیریتی ریسک در اختیار تسهیلات‌گیرندگان قرار دهد. حال چنانچه در امر تسهیلات‌دهی، رعایت ضوابطی از جمله اخذ وثیقه مناسب، ارزیابی طرح اقتصادی متقاضی تسهیلات، اعتبارسنجی تسهیلات‌گیرنده، نظارت بر نحوه مصرف تسهیلات در محل مورد اشاره متقاضی در هنگام انعقاد قرارداد، دریافت سود منطقی از تسهیلات‌گیرندگان و مباحثی از این دست نشود، یعنی بانک در انجام امر وکالت برای سپرده‌گذار کوتاهی کرده و به نوعی حق سپرده‌گذار تضییع شده است. از این بابت بایستی اشاره داشت که حاکمیت شرکتی در رعایت حقوق سپرده‌گذاران می‌تواند از این ناحیه مورد تضعیف قرار گیرد.

۷-۷ رازداری و حفظ امانت نسبت به اطلاعات سپرده‌گذاران

بانک باید به مالکیت و منابع اطلاعات سپرده‌گذاران احترام بگذارد و اصول امانت‌داری و رازداری را نسبت به این نوع مسائل رعایت نماید. از این رو بانک باید مراقب باشد که اطلاعات سپرده‌گذاران را خارج از قاعده و قانون افشا نکرده و حریم خصوصی آنان را خدشه‌دار نسازد. همچنین بانک حق ندارد از اطلاعات سپرده‌گذاران بدون رضایت آنان در مسیر تبلیغات و کار رسانه‌ای استفاده نماید. عدم رازداری و حفظ امانت نسبت به اطلاعات سپرده‌گذاران منجر به تضییع حقوق سپرده‌گذاران و تضعیف حاکمیت شرکتی خواهد شد.

۸-۷ ایفای تعهدات مندرج در متن قرارداد

بانک ملزم به ایفای تعهدات خود در خصوص شروط ضمن قرارداد مرتبط با خود است. به عنوان نمونه در سپرده‌های امتیازی، سپرده‌گذار با کسب امتیاز لازم بر حسب میزان و مدت سپرده‌گذاری خود، مستحق دریافت تسهیلات می‌شود. حال چنانچه بانک در ایفای تعهدات خود نسبت به اعطای تسهیلات به سپرده‌گذار تاخیر و یا تعللی داشته باشد، حق این دسته از ذینفعان تضییع می‌شود. البته لازم به ذکر است مثال تسهیلات امتیازی، برای سایر سپرده‌های امتیازی غیر از قرض‌الحسنه می‌تواند محقق باشد. چراکه در سپرده‌های قرض‌الحسنه، نباید شرطی مبنی بر پرداخت تسهیلات به سپرده‌گذار وجود داشته باشد، زیرا که این امر موجب ایجاد شبهه پرداخت مازاد بر اصل قرض شده و ایراد شرعی پیدا می‌کند. از این جهت، مثال پیش‌گفته می‌تواند برای سایر سپرده‌های امتیازی (غیر از قرض‌الحسنه) جریان داشته باشد.

۹-۷ رعایت حقوق وراثت سپرده‌گذاران

شاید اینگونه برداشت شود که رعایت حقوق ذینفعان در بخش سپرده‌گذاری، صرفاً منحصر و محدود به خود سپرده‌گذار است؛ اما نکته جالب آنست که در صورت فوت سپرده‌گذار، حق و حقوقی برای وراثت سپرده‌گذار از جانب بانک وجود دارد که این مورد نیز باید مورد توجه و رعایت بانک قرار گیرد.

موردی که بعضاً ممکن است مشاهده شود آن است که بانک‌ها پس از اطلاع از فوت صاحب سپرده، حساب او را تا زمان انحصار وراثت و تعیین تکلیف وضعیت وراثت، به سرفصل بستانکاران موقت منتقل کرده که حسابی عندالمطالبه بود و سود به آن تعلق نمی‌گرفت. در این حالت گرچه منابع متوفی نزد بانک خواهد بود اما ورثه تا زمان انحصار وراثت از دریافت اصل سپرده و سود آن محروم می‌شوند.^۱ ریشه این مسئله در اینجاست که در فرم‌هایی که هنگام افتتاح حساب بانکی توسط مشتریان تکمیل می‌شود، بانک از سوی فرد وکالت عام پیدا می‌کند تا با فوت وی و برهم خوردن رابطه وکالت بین او و بانک، بانک طبق این وکالت عام از سوی مشتری تصمیم تازه بگیرد؛ بر همین اساس و طبق مقررات جاری نظام بانکداری، این امکان وجود دارد که بانک سپرده متوفی را به سرفصل جداگانه‌ای منتقل نماید.

در خصوص امکان پرداخت وجوه وکالتی سپرده‌گذار متوفی به وراثت، قانون مالیات‌های مستقیم با اصلاحات ۳۱ تیر ۱۳۹۴، محدودیتی برای بانک‌ها لحاظ کرده است. بنا به بند یک از ماده ۳۴ این قانون، بانک‌ها و سایر مؤسسات مالی و اعتباری شرکت‌ها، مؤسسات نهادهای عمومی غیردولتی و سایر اشخاص حقوقی دولتی و غیردولتی که وجوه نقد یا سفته یا جواهر و یا هر نوع مال دیگر از متوفی نزد خود دارند، مجاز نیستند قبل از اخذ گواهی پرداخت مالیات مربوط موضوع این قانون، اموال و دارایی‌های متوفی را به وراثت یا موصی‌له تسلیم کنند و یا به نام آنها ثبت و یا معاملاتی راجع به اموال و دارایی‌های مزبور انجام دهند.

اما در مورد پرداخت سود به اینگونه سپرده‌ها پس از اطلاع بانک از فوت صاحب سپرده، در حال حاضر با پیش‌بینی حق وصایت، سعی در حل این مسئله شده است. بانک مرکزی با صدور بخشنامه‌ای خطاب به مدیران عامل بانک‌های دولتی، غیردولتی (به استثنای بانک‌های قرض‌الحسنه)، شرکت دولتی پست بانک و موسسه اعتباری توسعه اعلام کرده است: نظر به اینکه طبق مفاد ماده (۳) قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره) مصوب شهریور ماه ۱۳۶۲، رابطه بانک با سپرده‌گذار در به‌کارگیری سپرده سرمایه‌گذاری مدت‌دار رابطه وکالت می‌باشد لذا در صورت فوت، جنون و سفه صاحب حساب سپرده مذکور، یا فوت، جنون و سفه ولی یا قیم صاحب حساب، رابطه وکالت منفسخ و به سپرده یاد شده سودی تعلق نمی‌گیرد. در این خصوص جهت استمرار شرایط قرارداد و تداوم بهره‌مندی این نوع از سپرده‌ها از سود حاصله، کمیسیون مقررات و نظارت مؤسسات اعتباری در بیست و ششمین جلسه مورخ ۱۳۹۱/۱۰/۱۰، مبادرت به تصویب شرط الزامی ذیل و درج آن در قرارداد سپرده‌گذاری به شرح زیر نمود:

«اخذ سپرده سرمایه‌گذاری مدت‌دار توسط بانک‌ها، مطابق با قانون عملیات بانکی بدون ربا، با استفاده از عقد وکالت با حق توکیل، فی مابین بانک و مشتری صورت پذیرفته و جهت استمرار شرایط قرارداد در صورت فوت، جنون و سفه صاحب حساب یا ولی و قیم صاحب حساب، بانک‌ها باید شرطی را در قرارداد سپرده‌گذاری (اعم از انفرادی یا مشترک) مبنی بر وجود رابطه «وصایت» بین بانک و مشتری در صورت وقوع شرایط فوق‌الاشاره درج نمایند». بنابراین به‌نظر می‌رسد با این تدبیر می‌توان در صورت وجود چنین شرطی در قرارداد، وراثت را در سود سپرده‌های متوفی تا زمان انحصار وراثت و تعیین تکلیف سپرده مدنظر، دارای حق دانست. از این بابت، چنانچه بانک در شرایط مذکور در پرداخت سود به اینگونه از حساب‌ها تعلل ورزد، حقوق وراثت سپرده‌گذاران متوفی تضییع خواهد شد.

۸- راهکارهایی جهت تقویت اجرای حاکمیت شرکتی از منظر رعایت حقوق سپرده‌گذاران بانکی

^۱ البته برای هزینه کفن و دفن و مراسم خاکسپاری و سایر هزینه‌ها، به استناد بخشنامه صادره توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی و اصلاحیه آن تدابیری جهت پرداخت سهمی از سپرده با شرایط خاص اندیشیده شده است.

از این رو مشخص شد که نحوه سپرده‌پذیری نظام بانکی چه در قالب عقد قرض الحسنه (پس‌انداز و جاری) و چه در قالب عقد وکالت (سپرده‌های مدت‌دار) می‌تواند با چالش تضعیف حقوق سپرده‌گذاران به عنوان بخشی از جامعه ذینفعان نظام بانکی مواجه باشد که این تضعیف بر مقوله حاکمیت شرکتی در نظام بانکی اثرگذاری خواهد داشت.

جهت تقویت اجرای حاکمیت شرکتی از منظر رعایت حقوق سپرده‌گذاران بانکی پیشنهادات ذیل ارائه می‌شود:

۸-۱ استفاده از الگوی «سپرده وکالت خاص»^۱

الگوی «سپرده وکالت خاص» که پیش از این نیز توسط برخی از محققین بانکداری اسلامی کم و بیش مطرح شده است شاید بتواند به کاهش چالش‌های حاکمیت شرکتی از نگاه سپرده‌گذاران در اجرایی نمودن عملیات بانکداری بدون ربای ایران منتهی شود. این الگو در سه طبقه کلی قابل‌ارایه است:

۸-۱-۱ سپرده وکالت خاص در قرض الحسنه

در این سپرده بانک از ابتدا در قالب عقد وکالت خاص در قرض الحسنه، منابع سپرده‌گذاران حساب‌های پس‌انداز را جذب می‌کند. بانک بنا بر قاعده وکالت وظیفه دارد در راستای اهداف و خواست موکلین (سپرده‌گذاران)، منابع پس‌انداز جذب شده را وکالتاً صرفاً در امور قرض الحسنه جهت تامین مالی فقرا و محرومان و نیازمندان تسهیلات‌دهی نماید. از این حیث خواست و قصد سپرده‌گذاران پس‌انداز قرض الحسنه به عنوان بخشی از گروه ذینفعان نظام بانکی به منظور انجام اعمال خیر و خدایسندانه و حفظ سنت الهی و مبارک قرض الحسنه تامین خواهد شد و بانک امکان و اجازه استفاده از این منابع در سایر امور انتفاعی همچون تسهیلات مبادله‌ای و یا مشارکتی را نخواهد داشت.

همچنین می‌توان برای سپرده‌های جاری از عقد قرض به جای قرض الحسنه استفاده کرد. در این مجرا، بدون استفاده از عقد وکالت، منابع حساب‌های جاری در قالب عقد قرض به بانک پذیرنده تملیک می‌شود و بانک قادر است از آن منابع در راستای برنامه‌های انتفاعی خود استفاده نماید. از این جهت تجهیز منابع در بخش اول به دو مسیر «وکالت خاص در قرض الحسنه برای سپرده‌های پس‌انداز» و «عقد قرض برای سپرده‌های جاری» تقسیم خواهد شد.

۸-۱-۲ سپرده وکالت خاص در عقود مبادله‌ای با نرخ سود ثابت

بانک می‌تواند با تعیین مجموعه‌ای از عقود مبادله‌ای با نرخ سود ثابت همچون مباحه، اجاره بشرط تملیک، جعاله و غیره خط وکالتی مشخصی از بخش تجهیز تا بخش تخصیص دایر نماید. در این قالب، بانک منابع را از ابتدا در قالب عقد وکالت خاص (وکالت در صرف منابع در عقود مبادله‌ای معین) از سپرده‌گذاران جذب می‌نماید. به عبارتی در مرحله جذب سپرده به سپرده‌گذاران اعلام می‌شود که وجوه جمع‌آوری شده صرفاً در قالب عقود مبادله‌ای با نرخ سود ثابت و مشخص هزینه‌کرد خواهد شد. بانک در این الگو نقش وکیل سپرده‌گذاران را برعهده دارد. از این جهت با برنامه‌ریزی در بخش تسهیلات با نرخ سود مشخص این امکان وجود دارد که بانک نرخ سود ثابتی را به سپرده‌گذاران پرداخت نماید. این سود ماحصل سود تسهیلات مبادله‌ای منتهای حق‌الوکاله بانک در جایگاه وکیل سپرده‌گذاران خواهد بود.

در این قالب نیاز است که بانک در ابتدا پرتفویی از قراردادهای مبادله‌ای که نرخ سود ثابتی را دارند تدارک ببیند. سپس با عملیات حسابداری، میانگین سود حاصل از اعطای تسهیلات مبادله‌ای در یک دوره مالی را محاسبه و با کسر حق‌الوکاله و سایر ذخایر و کسورات احتیاطی و قانونی، نرخ سودی را از ابتدا برای سپرده‌گذاران مشخص سازد. لازم به ذکر است بنا به نظریه استخر

^۱ در وکالت خاص، مورد وکالت و محدوده اختیارات وکیل معلوم است.

منابع^۱، چالش پرداخت سود در دوره‌های ابتدایی قبول سپرده مرتفع می‌شود. بدین معنا که سپرده‌های تجهیز شده بلافاصله در استخری از منابع وکالت در قراردادهای مبادله‌ای وارد می‌شود که در هر دوره زمانی سود آن قابل برآورد خواهد بود.

۳-۱-۸ سپرده وکالت خاص در عقود مشارکتی با نرخ سود انتظاری

بانک می‌تواند با تعیین مجموعه‌ای از عقود مشارکتی با نرخ سود متغیر و انتظاری همچون مشارکت مدنی، مشارکت حقوقی، مضاربه و غیره خط وکالتی مشخصی از بخش تجهیز تا بخش تخصیص دایر نماید. در این قالب، بانک منابع را از ابتدا در قالب عقد وکالت خاص (وکالت در صرف منابع در عقود مشارکتی معین) از سپرده‌گذاران جذب می‌نماید. به عبارتی در مرحله جذب سپرده به سپرده‌گذاران اعلام می‌شود که وجوه جمع‌آوری شده صرفاً در قالب عقود مشارکتی با نرخ سود متغیر و نامشخص هزینه‌کرد خواهد شد. بانک در این الگو نقش وکیل سپرده‌گذاران را برعهده دارد و سود نهایی از کسر حق الوکاله بانک و سایر کسورات قانونی از سود تسهیلات مشارکتی حاصل خواهد شد. البته این در شرایطی است که خود بانک شریک سپرده‌گذاران در قراردادهای مشارکتی نباشد و صرفاً در جایگاه وکیل به اداره امور بپردازد. اما چنانچه بانک منابع خود را نیز درگیر نماید، سپرده‌گذاران به نوعی با بانک شریک می‌شوند و بانک افزون بر نقش وکیل، نقش شریک سپرده‌گذاران را هم از آن خود خواهد کرد. در این حالت بنا به قواعد عقد وکالت و شراکت، بانک مستحق برداشت سهم سود خود به علاوه حق الوکاله خود از سود حاصل از تسهیلات مشارکتی بدست آمده خواهد بود.

در مجموع به نظر می‌رسد الگوی تفکیک سپرده‌های بانکی بر اساس عقد وکالت خاص این امکان را فراهم می‌سازد که اولاً سپرده‌گذارانی که قصد اجرای سنت پسندیده قرض‌الحسنه را دارند، به هدف خود نائل شوند و بانک اجازه انحراف منابع قرض‌الحسنه‌ای در سایر مجاری را نداشته باشد. از این حیث خواست و مقاصد این گروه از ذینفعان نظام بانکی (سپرده‌گذاران حساب‌های پس‌انداز قرض‌الحسنه‌ای) به نحو بهتری تامین و رضایت خاطر ایشان به نحو بیشتری جمع می‌گردد. ثانیاً معضل عدم محاسبه مابه‌التفاوت سود قطعی از سود علی‌الحساب و تزییع حقوق سپرده‌گذاران کمرنگ‌تر می‌شود؛ چرا که بنا بر تفکیک سپرده‌ها در قالب بهره‌گیری از عقد وکالت خاص، امکان پرداخت و تعیین سود قطعی در سپرده‌های وکالت در عقود مبادله‌ای برای سپرده‌گذارانی که خواهان سود قطعی هستند تا حد زیادی ممکن خواهد بود (البته این قطعیت به نحو مطلق نیست و بنا بر عملیات بانکداری، مقداری عدم قطعیت را در خود خواهد داشت). در این حالت پرداخت سود علی‌الحساب صرفاً محدود به سپرده‌های وکالت در عقود مشارکتی خواهد شد. پیش‌بینی می‌شود با بکارگیری این الگو، با توجه به کاهش حجم سپرده‌پذیری‌های مستلزم پرداخت سود علی‌الحساب، امکان محاسبه سود قطعی و پرداخت مابه‌التفاوت‌ها سهولت نسبی خواهد یافت.

۲-۸ نظارت بر عملیات بانکی جهت رعایت حقوق سپرده‌گذاران

نظارت بانک مرکزی و نهادهای ذی‌ربط بر اجرای صحیح امر وکالت توسط بانک‌ها در قبول سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار، استفاده از منابع قرض‌الحسنه‌ای مطابق با قصد و نیت سپرده‌گذاران سپرده‌های قرض‌الحسنه‌ای، ایفای کامل تعهدات مندرج در متن قراردادهای سپرده‌گذاری، پرداخت به‌موقع و کامل اصل سپرده به سپرده‌گذاران، پرداخت سپرده‌های ارزی به سپرده‌گذاران بر مبنای توافق شده در قرارداد، تعیین و پرداخت به‌موقع و کامل سود قطعی در سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار، اطلاع‌رسانی به سپرده‌گذاران و همچنین رازداری و حفظ امانت نسبت به اطلاعات سپرده‌گذاران همگی موجب می‌شود از حقوق سپرده‌گذاران به

¹ Asset Pool

عنوان بخش مهمی از ذینفعان نظام بانکی صیانت شود. بی شک این رعایت حقوق به اجرای بهتر حاکمیت شرکتی بنا به تعاریف ارایه شده خواهد انجامید. به کارگیری سیاست‌های تشویقی و حمایتی از یکسو و اعمال سیاست‌های تنبیهی و بازدارنده از سوی دیگر می‌تواند این نوع نظارت را موثرتر نماید.

۳-۸ تخصیصی سازی شبکه بانکی

به نظر می‌رسد تخصیصی سازی شبکه بانکی موجب شود، سپرده‌گذاران در شاخه فعالیتی مدنظر خود وارد شده و ریسک مرتبط با خود را پذیرا باشند. به عنوان نمونه چنانچه فردی در پی اعطای قرض الحسنه و انجام کار خیر است می‌تواند به بانک‌های قرض الحسنه‌ای مراجعه نماید. چنانچه فردی به دنبال دریافت سود قطعی بدون ریسک است می‌تواند به بانک‌های تجاری با عقود مبادله‌ای مراجعه نماید. همچنین چنانچه فردی پذیرای ریسک بالا در طرح‌های مشارکتی است می‌تواند به بانک‌های توسعه‌ای مراجعه نماید و در پروژه‌های مشارکتی با سود نامعین سرمایه‌گذاری نماید.

۹- نتیجه‌گیری

بین قواعد حاکمیت شرکتی و رعایت حقوق ذینفعان درهم تنیدگی زیادی وجود دارد. آنگونه که از ادبیات موجود در این حوزه برمی‌آید، رعایت حقوق ذینفعان (از جمله کارکنان، مشتریان، فروشندگان، سهامداران، دارندگان اوراق بهادار و غیره) از زمینه‌های اجرای قواعد حاکمیت شرکتی در هر مجموعه و سازمانی می‌باشد.

سهم مهمی از مقوله حاکمیت شرکتی در نظام بانکی جریان دارد که با توجه به تنوع ذینفعان در این نظام (سپرده‌گذاران، تسهیلات‌گیرندگان، مشتریان خدمات بانکی، سهامداران، کارکنان و مدیران و غیره) و حساسیت فعالیت‌های پولی و بانکی و ریسک‌های پیرامونی آن توجه به این حوزه در تیررس محققین قرار داشته است. از این رو گفته می‌شود نظام بانکی نیز همانند و بلکه مهمتر از سایر نهادها و موسسات و شرکت‌ها نیازمند رعایت اصول حاکمیت شرکتی است. تجربه جهانی نیز نشانگر این حقیقت است که رعایت اینگونه اصول، اثرات مثبتی را بر عملکرد بانک‌ها برجای می‌نهد.

اصولاً روش‌ها و ضوابط حاکمیت شرکتی از کشوری به کشور دیگر بنا به تفاوت فرهنگ‌ها و ساختارهای جوامع با یکدیگر متفاوت می‌باشد. بر این اسلوب، این تفاوت در نظام‌های بانکی از قالبی به قالب دیگر نیز وجود دارد. از مهمترین قالب‌های قابل طرح در این مقوله می‌توان به قالب بانکداری اسلامی اشاره کرد. بانکداری اسلامی از آن حیث که از لحاظ کارکردی، سازوکاری و سازمانی شباهت‌هایی به بانکداری متعارف دارد، در مقوله پیاده‌سازی ضوابط حاکمیت شرکتی نیز دارای شباهت‌هایی به نظام متعارف است. اما وجود تفاوت‌هایی در بخش تجهیز و تخصیص منابع بانکی موجب شده است که چارچوب متفاوتی از حاکمیت شرکتی برای بانک‌های اسلامی قابل طرح‌ریزی باشد. این تفاوت در چارچوب حاکمیت شرکتی به تعریف حق و حقوق ذینفعان بانکی متناسب با موازین بانکداری اسلامی مرتبط می‌شود و در چنین بستری زمینه تحقق می‌یابد.

به عنوان نمونه، از جمله تفاوت‌های نظام بانکداری اسلامی با نظام بانکداری متعارف، در بخش سپرده‌پذیری و تجهیز منابع است. بنابراین با نگاهی از زاویه اجرای حاکمیت شرکتی در نظام بانکداری اسلامی، نیاز به تامین سازوکاری برای کاهش هزینه‌های احتمالی سوءاستفاده از اطلاعات نامتقارن در این نوع بانکداری مورد توجه است؛ چراکه یکی از مهمترین مجاری بانکداری اسلامی در تجهیز منابع استفاده از عقود اسلامی همانند وکالت و یا عقود مشارکتی است. در این نوع عقود، سپرده‌گذاران به نوعی مشارکت در سرمایه‌گذاری‌هایی دارند که بانک‌ها بطور قابل توجهی از اطلاعات بیشتری در مورد آن سرمایه‌گذاری‌ها برخوردار می‌باشند و یا در زمینه اعطای وکالت به بانک در بکارگیری منابع تجهیز شده، به طور مشخصی اختیار عمل در نزد بانک به عنوان وکیل و امین سپرده‌گذاران نهاده می‌شود.

به موجب ماده سوم قانون عملیات بانکی بدون ربا، دو نوع منبع برای تجهیز منابع بانک‌های بدون ربا در نظر گرفته شده است: الف) سپرده قرض‌الحسنه جاری و پس‌انداز و ب) سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار. با بررسی نحوه سپرده‌پذیری در نظام بانکی ایران به نظر می‌آید رویه موجود در نظام فعلی امکان تضعیف حاکمیت شرکتی را در قبال رعایت حقوق سپرده‌گذاران در خود دارد. از جمله حقوقی که بانک باید در قبال سپرده‌گذاران خود جهت اعمال بهتر حاکمیت شرکتی رعایت نماید می‌توان به موارد ذیل اشاره داشت: توجه به قصد و هدف سپرده‌گذاران، پرداخت به‌موقع و کامل اصل سپرده به سپرده‌گذاران، پرداخت سپرده‌های ارزی به سپرده‌گذاران بر مبنای توافق شده در قرارداد، تعیین و پرداخت به موقع و کامل سود قطعی در سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار، اطلاع‌رسانی به سپرده‌گذاران در صورت تغییر نرخ سود هنگام تمدید سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار، انجام صحیح امور وکالت از سوی بانک، رازداری و حفظ امانت نسبت به اطلاعات سپرده‌گذاران، ایفای تعهدات مندرج در متن قرارداد و همچنین رعایت حقوق وراثت سپرده‌گذاران.

به نظر می‌آید از لحاظ نظری، پیشنهاد تفکیک سپرده‌های بانکی بنا به عقد وکالت خاص در سه مجرای سپرده‌های وکالت در قرض‌الحسنه (در کنار بکارگیری عقد قرض به جای قرض‌الحسنه در حساب‌های جاری)، سپرده‌های وکالت در عقود مبادله‌ای و سپرده‌های وکالت در عقود مشارکتی، نظارت بر عملیات بانکی جهت رعایت حقوق سپرده‌گذاران و تخصصی‌سازی شبکه بانکی بتواند تا حدی به تقویت اجرای حاکمیت شرکتی در بخش تجهیز منابع بانکی به نفع گروه سپرده‌گذاران منتج شود و از چالش‌ها و آسیب‌های آن بکاهد.

مراجع

- [1] Solomon Jill, "Corporate Governance and Accountability", 3rd Edition, John Wiley & Sons Ltd Publication, UK, 2010, p 1.
- [2] Banks, Erik, "Corporate Governance, Financial Responsibility, Controls and Ethics", first published. New York: PALGRAVE MACMILLAN, 2004.
- [3] Walker Review, "A Review of Corporate Governance in UK Banks and other Financial Industry Entities", The Walker Review Secretariat, London. 16 Jul 2009, p 19.
- [4] La Porta, R., F. Lopez-de-Salinas, A. Shleifer & R.W. Vinshy, "Investor Protection: Origins, Consequences, Reform", Harvard University, manuscript (cited by Dyck, 2000), 1999, p 7.
- [5] Zingales, L. (1997), "Corporate Governance", The New Palgrave Dictionary of Economics and the Law, p 4.
- [6] Organisation for Economic Co-operation and Development, "OECD Principles of Corporate Governance", Head of Publications Service, OECD Publications Service, 2004, pp 17-25.
- [7] قلیچ، وهاب، "جایگاه و ابزارهای حاکمیت شرکتی در نظام بانکداری اسلامی"، فصلنامه اقتصاد و بانکداری اسلامی، سال هفتم، شماره ۱۴، ۱۳۹۵، صفحات ۸۷-۱۱۰.
- [8] Griffin, Dale, ET. al., "National Culture, Corporate Governance Systems and Firm Corporate Governance Practices". Available at: northernfinance.org, 2013.
- [9] میسمی، حسین، "حاکمیت شرکتی؛ نظارت و مقررات احتیاطی در موسسات مالی اسلامی: گزارش پنجمین روز مدرسه زمستانه بانکداری اسلامی"، تهران: پژوهشکده پولی و بانکی، مقاله کاری شماره ۶، ۱۳۹۲.

- [10] تقوی، مهدی و اعظم احمدیان و مهران کیانوند، "تحلیلی بر تاثیر حاکمیت شرکتی بر ثبات سیستم بانکی کشورهای در حال توسعه (با تاکید بر شاخص مالکیت بانکها)", فصلنامه دانش مالی تحلیل اوراق بهادار، سال ششم، شماره ۱۹، ۱۳۹۲.
- [11] بدری، احمد، "مبانی و ضرورت راهبری شرکتی"، مجموعه مقالات همایش راهبری شرکتی، تهران: شرکت بورس اوراق بهادار تهران، ۱۳۸۷.
- [12] فرزین‌وش، اسداله و یداله دادگر و محسن مهرآرا و ابوالفضل نجارزاده، "نقش حاکمیت شرکتی بر شاخص‌های عملکرد نظام بانکی"، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، سال بیست و پنجم، شماره ۸۲، ۱۳۹۶.
- [۱۳] امین‌آزاد، امیرحسین، "ارزیابی نظام حاکمیت شرکتی در بانکها"، مجموعه مقالات بیست و چهارمین همایش سیاست‌های پولی و ارزی، تهران: پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی، ۱۳۹۳.
- [14] Al Manaseer, Moousa F. & Riyad Mahmud Al- Dahiyat, "the Impact of Corporate Governance on the Performance of Jordanian Banks", European Journal of Scientific Research, Vol. 67, No. 3, 2012, pp. 349-359.
- [15] Ermina, Papanikolaou & Patsi Maria, "Corporate Governance and Bank Performance", International Hellenic university, 2010.
- [16] Andres, Pablo de and Eleuterio Vallelado, "Corporate Governance in Banking: The role of the board of directors", journal of banking and finance, No. 32, 2008, pp. 2570-2580.
- [۱۷] روشندل، محمد، "راهکارهای بومی‌سازی حاکمیت شرکتی موثر در نظام بانکداری ایران"، گروه مجوزهای بانکی، تهران: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۶.
- [18] Sang Woo N. & Chee Soon Lum, "Corporate Governance of Banks in Asia: A Study of Indonesia, Republic of Korea, Malaysia and Thailand", Asia Development Bank Institute, 2006.
- [19] Basel Committee on Banking Supervision (Basel: BCBS), "Enhancing Corporate Governance for Banking Organizations", Sep. 1999.
- [۲۰] ندری، کامران و وهاب قلیچ و حسین میسمی، "نقش نظام بانکداری اسلامی در کاهش زمینه‌های ایجاد بحران‌های مالی"، دوفصلنامه جستارهای اقتصادی ایران، سال دهم، شماره ۱۹، ۱۳۹۲، صفحات ۴۰-۹.
- [21] Chapra, M. Umer & Ahmed, Habib, "Corporate Governance in Islamic Financial Institutions", Islamic Development Bank, King Fahad National Cataloging-in-Publication Data, 2002.
- [22] Masudul Alam Ch. and Mohammad Z. H., "Corporate Governance in Islamic Perspective", emerald insight, vol 6, No 2, 2006.
- [۲۳] مسعودی، علیرضا، حقوق بانکی، تهران: انتشارات پیشبرد، ۱۳۸۷.
- [۲۴] هادوی‌نیا، علی‌اصغر، قرض‌الحسنه و آثار اقتصادی آن، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۸.
- [۲۵] قلیچ، وهاب، "بررسی ابعاد فقهی سپرده‌پذیری سرمایه‌گذاری مدت‌دار بانکی"، تهران: پژوهشکده پولی و بانکی، گزارش پژوهشی شماره ۹۶۰۰۶، ۱۳۹۶.